

بدون ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام مطلقاً عبادات قبول نیست و ارزش ندارد، ولی این به معنی آن نیست که «بازار عمل کساد است». اگر بازار عمل کساد است پس بازار چه چیز داغ است... آیا در برابر آن همه آیات و روایات می توان به يك رؤیای معمول که صد درصد مخالف قرآن و روایات است اعتماد کرد؟ مگر نه اینست که از نظر اسلام رؤیا حجیت ندارد؟ بالخصوص رؤیایی اینچنین که مخالف ادلّه قطعی است».

در پاسخ، نخست برای این که «جاعل» و «مجمول» خوب شناخته و دانسته شوند [یادآوری می شود که] مرحوم محدث قمی در «فوائد الرضویه» صفحه ۲۵ [آن را آورده اند]. حال از جناب ناقد باید پرسید کجای این داستان «مخالف با محکّمات و نصوص دین»، «مجمول» و «صد درصد مخالف قرآن و روایات» است؟ و این چه محکّمات و نصوصی و کدام قرآن و روایاتی است که جناب ناقد بدانها واقف بوده و مرحوم محدث قمی از آن غافل، و در نتیجه - به گفته جناب ناقد - جاعل؟.

مگر نه اینست که «أما يتقبل الله من المتقين» و مگر نه اینست که حتی انبیاء و ائمه علیهم الصلاة والسلام از این که «کما هو حقّه» خدا راعبادت کنند اظهار عجز نموده، استغفار و استغاثه می نموده اند؟ مگر آن حضرات عامل نبوده اند یا مگر بازار عمل ایشان داغ نبوده است؟.

جمال این که افاضه فرموده اند: «مگر نه اینست که از نظر اسلام رؤیا حجیت ندارد... آنچه به گوش جناب ناقد خورده اینست که برای اثبات حکم شرعی رؤیا حجیت ندارد. و گرنه در جایی که کسی در مقام اثبات حکم شرعی نیست و صرفاً در مقام نقل واقعه ای است که روایات آن علماء عدول طائفه هستند، سخن گفتن از حجیت یا عدم حجیت مضحک و افتضاح آمیز است.

در ذیل حکایتی دیگر که در آن آمده است: فرزند مرحوم علامه حلی او را در عالم رؤیا دید و علامه فرمود «لولا کتاب الالغین و زیارة الحسین لاهلکتی الفتاوی» افاده فرموده اند «اگر هیچ دلیلی بر معمول بودن این قصه نداشتیم باز چون خواب و خیال است و رؤیا حجیت ندارد، نمی توانستیم آن را بپذیریم».

آیا این فاضل معاصر (۱) می دانسته که با این گونه سخنان کسی را می ماند که بر شاخه ای نشسته آن را از بن می برد؟ مگر هرگز قرآن نخوانده یا نشنیده است که در موارد مختلف بعضی

به دنبال چاپ نقد کتاب «مردان علم در میدان عمل» در شماره سوم این مجله، جوابیه زیر نوشته مؤلف کتاب مذکور به دفتر مجله رسید. از آنجا که نویسنده جوابیه طی نامه جداگانه ای تأکید کرده اند که «عیناً و بدون دخل و تصرف» درج شود، لذا بدون اصلاح و ویرایش - با حذف قسمتهایی که متضمن نقد نقد نبوده و لحنی گزنده و آمیخته به ناسزا داشته - عیناً در ذیل می آید. تقاضا می شود خوانندگان به هنگام خواندن این جوابیه، اصل نقد مردان علم را در پیش رو داشته باشند. روشن است که حق جناب امیری در پاسخ به این نقدها محفوظ است. لازم به یادآوری است که مؤلف محترم کتاب، پاسخ نقد را با عنوان «نگاهی به يك نقد چارواداری»! فرستاده بودند.

آیه پژوهش

پاسخی بر مقاله «بهری رونق مسلمانی»

.... در حدی که این مقال و مجال اجازه دهد به برخی از آنچه که آن فاضل معاصر تحت عنوان «اغلاط و خطاهای علمی و تاریخی» و «تفائص و تباسمات کلی و عمده» در کتاب «مردان علم در میدان عمل» برشمرده است و آنها را موجب بی رونقی مسلمانی دانسته می پردازیم. خواننده گرامی خود مفصل بخواند از این مجمل:

۱۲۰. جناب ناقد از نقل این که مقدس اردبیلی - رحمه الله - را پس از رحلت او در عالم رؤیا دیدند و او در جواب این سؤال که عالم آخرت را چگونه دیدی و با تو چه معامله ای شد؟ گفت: «بازار عمل کساد است و نفع نداد ما را مگر صاحب این قبر (امیرالمؤمنین علیه السلام) بسیار برآشفته آن را مخالف با محکّمات و نصوص دین دانسته فرموده اند: «درست است که

روایاها را حکایت فرموده است؟ مگر روایات متعدّد راجع به رؤیا و منام به سمع مبارکشان نرسیده است؟ حتماً خبر ندارد از این که مرحوم محدث نوری کتابی به نام «دارالسلام فیما یتعلّق بالرؤیا و المنام» نوشته است.

تنها وجه محتمل اینست که ناقد محترم از این همه دلیل و شاهد بر صحت و اعتبار بعضی از روایاها (روایاهای صادقانه) هیچ به گوشش نخورده است، وگرنه با اینچنین جسارت و جسارت نمی فرمودند: «چون خواب و خیال است و رؤیا حقیقت (۱۴) ندارد نمی توانیم آن را بپذیریم». والعیاذ باللّه.

برگردیم به افاضات جناب ناقد در ذیل حکایت کلام مرحوم علامه حلی در عالم رؤیا. جناب ناقد فرموده اند: «این مخالف ادلّه قطعی ماست. مگر فتوای مجتهد فحل و باورعی همچون علامه که سرآمد فقیهان شیعه است موجب هلاکت می شود؟... ثالثاً به احتمال زیاد برخی از اخباریها این رؤیا را ساخته و پرداخته اند... افزون بر اینها محدث قمی به نقل از سیدمحمد مجاهد این رؤیا را از اغلاط مشهور دانسته است...».

اقول: اولاً از فاضل معاصری که از آن همه آیات و روایات مربوط به «رؤیا» هیچ به گوشش نخورده و مطلقاً رؤیا و منام را با چوب خواب و خیال رانده، دور از انتظار نیست که هیچ يك از روایاتی را که در مقام بیان اهمیت و خطر عظیم افتاء، و حتّ بر دقت و احتیاط در آن وارد گشته، تا آنجا که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «... اهرب من الفتیا هربك من الاسد ولا تجعل رقبتهك للناس جسراً»، (سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۴۶) به سمع مبارکشان نخورده مفاد و مضمون آنها را تفهیمیده باشد و نتواند بین جواز (بل وجوب) افتاء و ایسن دسته روایات و قضایا جمع کند و آنچنان نامربوط و بی معنی بنویسد.

ثانیاً، فحل و باور بودن کسی همچون علامه از نظر ما، با این که او خود را در معرض خطر و مرتکب قصور و تقصیری دیده باشد منافاتی ندارد. وگرنه باید - مثلاً - صدور دعای کمیل از جانب امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز به این دلیل که آن حضرت امام المتقین و معصوم از هر خطا و لغزشی بوده تکذیب بفرمایند! ثالثاً، نزد اهل تحقیق، هر کشیدن و احتمال دادن و سپس تکذیب و انکار کردن پشتیبانی ارزش ندارد.

راهماً، این عبارت که ناقد محترم فرموده اند: «محدث قمی

به نقل از سیدمحمد مجاهد این رؤیا را از اغلاط مشهور دانسته است» علاوه بر این که به وضوح نشان دهند ناآشنایی نویسنده آن با ادب و دستور زبان فارسی است متضمّن يك دروغ است و آن عبارتست از انتساب غلط مشهور دانستن روایای مورد بحث، به مرحوم محدث قمی. چرا که مبتدای جمله «محدث قمی» است و خبر آن «... دانسته است». در حالی که مرحوم محدث قمی فقط از کتاب بیان اغلاط مشهوره سیدمحمد مجاهد نقل کرده که در آن کتاب قصه رؤیای فرزند علامه از اغلاط مشهوره شمرده شده است عبارت محدث قمی در فوائدالرضویه، صفحه ۵۸۰ چنین اثنت: «... و آن جناب را کتابهای دیگر است مانند... و کتاب بیان اغلاط مشهوره. و از اغلاط مشهوره «شمرده» گیسوان داشتن حسنین علیهما السلام را و حکایت خواب فخرالمحققین علامه را...»

جالب اینست که این روایای «مجموعه» و «مخالف ادلّه قطعی» را صاحب روضات الجنات (ج ۷، ص ۲۸۲) قدس سره هم نقل نموده است.

۳. فرموده اند: با توجه به عصر امام عسکری علیه السلام [عصر] این بابویه ممکن نیست از جانب امام عسکری علیه السلام توقیعی که در صفحه ۳۴۶ کتاب نقل شده برای این بابویه صادر شده باشد.

اقول: کفی لنا سنداً این که مرحوم قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین ج ۱، ص ۴۵۳ آن توقیع را بتصامه نقل کرده و مرحوم محدث قمی در فوائدالرضویه، ص ۲۸۱ آن را از مجالس المؤمنین نقل نموده و در سفینه البحار راجع به این بابویه نوشته است: «... و هو الذی کتب الیه ابو محمد العسکری التوقیع الشریف کما فی المناقب (مناقب ابن شهر آشوب)». و مرحوم صدر نیز در تأسیس الشیعه، ص ۳۳۱ فرموده است: «و أنّه یمن کاتبه مولانا ابو محمد العسکری». در کتاب «بهجة الامال فی شرح زبدة المقال» ج ۵، ص ۴۱۹ نیز صدور توقیع مذکور از طبرسی در «احتجاج» و جز آن نقل شده است.

۴. راجع به داستانی که تحت عنوان «بخشش سید رضی» در صفحه ۲۳۰ کتاب نقل شده، افاده فرموده اند: «این قصه مربوط به سید مرتضی است و نه سید رضی». و سپس به تفصیل، طبق نقل «ابن خلکان شافعی» آن داستان را - منسوباً به سید مرتضی «ره» - نقل کرده است.

اقول: در روضات الجنات (ج ۶، ص ۲۰۴) پس از آن که شمه‌ای از عفت نفس و بلند طبعی و سخاوت سید رضی قدس سره سخن گفته، نوشته است: «کیف لا و قد نقل عن الشریف عطر الله مرقدہ انه اشتری کتابا قیمتها عشرة آلاف دينار و ازید فلما حملت الیه و تصفحها رای فی ظهر کتاب منها مکتوباً:

و قد تحوج الحاجات یا ام مالک الی بیع اوراق بہن ضنین فامر پارچاها الی صاحبها و وہبہ الثمن.

حال بر چه مبنا و معیاری نزد ناقد اندیشمند ما نقل این خلکان بر نقل سید محمد باقر خراساری (صاحب روضات) که از بزرگان علماء طائفة رضوان اللہ علیہم بوده است ترجیح و تقدم دارد و بہتر بہ مذاق مبارک ایشان چسبیده است بہ طوری کہ نقل این خلکان را شیرین و زیبا دانستہ و بر نقلی کہ در کتاب مردان علم بہ عمل آمدہ طعن و لعن نثار فرمودہ اند؟ اللہ اعلم.

۵. راجع بہ اقامہ نماز «طبق فتوای برخی از مذہب اہل سنت» [کذا] بہ وسیلہ مرحوم ملا حسن کاشی در حضور علامہ حلّی و شاہ خدایتندہ، کہ در کتاب آمدہ است، نیز با ترجیح منح مقتدای خود (وفیات الأعیان این خلکان) منقول این حقیر از «قصص العلماء» را قاطعانہ ردّ و تکذیب فرمودہ اند.

۶. از نقل این کہ شہید اول رضوان اللہ علیہ در ایام تحصیل جامی از مس داشت کہ شبہا آن را در کنار آتش می نهاد، چون او را خواب می گرفت آن جام را بالای سر خود می نهاد و خواب از سرش می رفت و بہ مطالعہ ادامہ می داد و آخر الامر بہ نحوی شد کہ سرش صاف شدہ بود و دیگر مو پرنیاورد، بسیار پرآشفته و مفصلاً مانور دادہ اند و نوشته اند: «گذشتہ از این کہ در منابع معتبر نیامدہ و از متفردات مآخذ سستی همچون قصص العلماء است اساساً خلاف عقل و شرح است». آنگاہ در مقام اثبات خلاف عقل بودن چنین کاری چنین استدلال فرمودہ اند: «مگر شہید نمی توانست ہر وقت او را خواب می گرفت دست و صورتش را بشوید تا خواہش نبرد؟ و آیا اساساً نهادن جام مسین داغ بر سر ممکن است و انسان تحمل آن را دارد؟» و در مقام استدلال برای حرمت شرعی این عمل افتادہ فرمودہ اند: «آیا شہید نمی دانست کہ اضرار معنی بہ پر بدن حرام است و شرعاً جایز نیست کاری کرد کہ سر مو پرنیاورد؟»

راستی چہ منطوق استوار و چہ استدلالات محکمی! آدمی از

این ہمہ ہوش و ذکاوت و عقل و حکمت تلبہار شدہ در این ناقد توانند بہ شگفت می آید! بہ خصوص کہ تفرّس فرمودہ اند کہ شہید - بنا بہ نقل کتاب - با علم بہ اینکہ کاسہ داغ بر سر نهادن موجب ریزش مو می شود و بہ قصد این کہ دیگر سرش «مو پرنیاورد»! کاسہ داغ بر سر می نہادہ است! جلّ الخالق.

۷. در ذیل قضیہ ای کہ از خواجہ نصیر طوسی در کتاب نقل شدہ مرقوم فرمودہ اند. «مآخذ اصلی این مطلب کتاب آداب المتعلمین است کہ بہ غلط بہ خواجہ منسوب شدہ است. حال آن کہ...» و سپس داستان را مربوط بہ محمد بن حسن شیبانی دانستہ اند کہ در آداب المتعلمین تحریر و بہ خواجہ نصیر نسبت دادہ شدہ است.

اولاً جناب ناقد می توانستند این مورد را نیز بہ مواردی کہ مآخذ آنها ذکر شدہ عطف بفرمایند. چرا خود را بہ زحمت انداختہ منبع اصلی - بہ نظر خود - را نام بردہ و سپس در اصالت آن خدشہ وارد کردہ اند و بالاخرہ داستان را بہ محمد بن حسن شیبانی مربوط دانستہ و...؟ یک بحث خارجی مربوط بہ این کہ مؤلف آداب المتعلمین کیست چہ ربطی بہ نقد کتاب «مردان علم در میدان عمل» داشتہ است؟ جز این کہ بگویم در اینجا جناب ناقد فرصتی یافتہ اند کہ مقداری از «فضل تقلیدی» خویشان را اظہار بفرمایند.

ثانیاً، مآخذ نویسندہ کتاب «شخصیت و زندگانی خواجہ نصیرالدین طوسی» بودہ و نہ آداب المتعلمین.

ثالثاً، کسی چون مرحوم شیخ آقا بزرگ «در الدرر» کتاب آداب المتعلمین را تألیف خواجہ طوسی دانستہ و مرحوم صدر نیز در تأسیس الشیعہ، ص ۴۱۷، آن را متعلق بہ خواجہ دانستہ است. ۸. از داستان مشہور خروج مرحوم طبرسی از قہر و تألیف مجمع البیان پس از آن، کہ داستان مشہوری است و در مقدمہ مجمع البیان از قول صاحب ریاض (رہ) نقل شدہ نیز غضبناک گشتہ فرمودہ اند: «پایہ و اساسی ندارد و پا در هوا» [کذا] است. و طبق معمول خوانندہ را بہ کتابی در این بارہ حوالّت فرمودہ اند!

۹. در مقام ردّ بر این کہ «نظریہ وخامت فتوی سید بن طاووس کتابی در فقہ نوشت» فرمودہ اند این درست نیست و این طاووس بہ تصریح خودش کتاب «غیبات سلطان الوری لسگان الثری» را در دانش فقہ [کذا] نوشتہ است.

حال اگر به حکم «الغریق یتشبه بکل حبش» جناب ناقد، رساله کوچکی را که ابن طاروس «فی قضاء الصلوة عن الاموات» نوشته، تألیف ابن طاروس در دانش فقه می شمارد خود داند. اما خوب است آنچه را که راجع به «وخامت فتوی» مرحوم محدث قمی (در فوائد الرضویه، ص ۳۳۵) از وی نقل کرده را بخوانند.

۱۰. در قضیه ای که حجة الاسلام سید محمدباقر موسوی همدانی، از شاگردان معروف مرحوم علامه طباطبایی و مترجم تفسیر المیزان در جلد یکم ترجمه المیزان (ص ۵۴۸) از قول مرحوم علامه نقل کرده اند و در کتاب مردان علم در میدان عمل نقل گردیده نیز «خطای روشنی» دیده اند.

خوشبختانه هم منبع منقول عنه در دسترس است و هم جناب آقای موسوی همدانی می و حاضرند و جناب ناقد می توانند با راوی قضیه تصفیه حساب کنند.

۱۱. راجع به این که «نخستین مصنفات شهید اول «روض» و آخرین آنها «روضه» است» فرموده اند: البته هر دو مطلب نادرست است.

اقول: مرحوم محدث قمی در سفینه البحار ج ۱، ص ۷۲۴ فرموده اند: «مصنفاته کثیره اولها الروض و آخرها الروضه». و در مقدمه «آصفی» بر شرح لمعه، ص ۱۷۷، آمده است: «... و الذی يظهر من رساله ابن العودی ان هذا الكتاب (روض) هو اول کتاب کتبه الشهيد فی الفقه الاستدلالی...».

۱۲. و فرموده اند: این که شرح لمعه در مدت شش ماه و شش روز تألیف شده باشد نیز نادرست است.

اقول: در روضات الجنات ج ۳، ص ۳۷۷ آمده است: «... و يظهر من نسخة الاصل انه ألفه فی ستة اشهر و ستة ايام كما ذكره صاحب الامل (امل الأمل) و صرح به ايضاً صاحب الحدائق و غيره». محدث قمی رحمه الله عليه نیز در سفینه البحار ج ۱، ص ۷۲۴ فرموده اند: «الفها فی ستة اشهر و ستة ايام. در «شهداء الفضيلة» ص ۱۳۵ نیز کلام امل الأمل در این باب نقل شده است.

۱۳. فرموده اند: شهید لمعه را در حبس تألیف نکرده است. اقول: شیخ حرّ عاملی قدس سره در امل الأمل طبع قدیم، ص ۳۰ نوشته است: «... و فی مدة الحبس ألف اللعة الدمشقية فی سبعة ايام».

۱۴. فرموده اند: عبدالرحیم عباسی دو سال پیش از شهادت شهید ثانی از دنیا رفته. و این را که «سیدعبدالرحیم عباسی سعی در قتل قاتل شهید ثانی کرد و سلطان او را کشت» نادرست اعلام فرموده اند.

اقول: مرحوم علامه امینی در «شهداء الفضيلة» ص ۱۳۶ به نقل از امل الأمل شیخ حرّ عاملی نوشته است: «و سعی السید عبدالرحیم العباسی فی قتل ذلك الرجل (قاتل شهیدالثانی) فقتله السلطان». محدث قمی نیز در سفینه البحار ج ۱، ص ۷۲۴ فرموده است: «و سعی السید عبدالرحیم العباسی فی قتل قاتله فقتله السلطان».

۱۵. بدین ترتیب، واهی و بی اساس بودن ادعا و شعار بعدی جناب ناقد نیز در مورد رفتن سید عبدالرحیم عباسی نزد سلطان بعد از شهادت شهید و... آشکار می شود.

۱۶. فرموده اند بعضی از داستانهای کتاب بدآموزی دارد، از جمله قضیه ای که از مرحوم علامه امینی حکایت شده است. جناب ناقد بدون نام بردن از مرحوم علامه امینی (۱۴) نوشته اند: «از قول یکی از بهادرگران اقالیم قبله [۱] نقل کرده اند کسه به شخصی فرمود: «اگر من که نوکر آن حضرتم (حضرت ابی الفضل سلام اللسه علیه) به بند کفش من توهین و بی احترامی کنی، خداوند تو را به رو در آتش جهنم می اندازد» و سپس چنین افاضه فرموده اند: «نگارنده بسیار بعید می داند آن بزرگ مصلح آگاه [ایضاً نام نمی برد ۱۴] چنین سخنی فرموده باشد. عالمان خدا ترس همیشه از خود غافل بوده و تنها به فکر دین خدا و نوامیس او [کذا] و پیرو آن بزرگ ابرمردی [کذا] بوده اند که فرموده است: «لقد امرت علی اللثیم یسینی / فمضیت ثمة قلت لا یعنینی». از سوی دیگر می دانیم که چقدر زشت است که يك روحانی به کسی بگوید «اگر به بند کفش من توهین کنی خداوند تو را به رو در آتش جهنم می اندازد»! آیا جامعه تاب و تحمل [کذا] چنین سخنی، یا نقل آن را دارد؟».

اقول: جناب ناقد معاصر در این نقطه از «نقدچارواداری» خود سنگ تمام گذاشته در حد کمال افاده فرموده آب در هاون کوبیده اند. جناب ناقد شجاعت و صداقت خود را نشان داده! او که از ذکر نام مرحوم علامه امینی خودداری کرده و به اشاره و کنایه مطلب را برگزار کرده است. ثانیاً داستان را از نیمه نقل کرده

قسی و امثالهم رضوان الله عليهم آمده و نقل آنها، به جای تقلید محض از جرائد و کتب دست اوکی (۱) که جناب شما از آنها تقلید می فرمایید، رونق مسلمانی را می برد؟

طبیعی است که در یک کتاب پانصد و بیست و پنج صفحه ای دو سه اشکال وارد هم شما بیابید که یا ناشی از اشتباه مأخذ یا مؤلف باشد یا در یکی از مراحل آماده سازی و چاپ (استنساخ، هروفجینی، مقاله، موتاژ و...) پدید آمده باشد. آیا با دو سه اشکال وارد کلدایی رونق مسلمانی ازین می رود؟

نه برادر جان!

آنچه رونق مسلمانی را می برد اینست که کسی چون آن جناب بر اساس اغراض و امراض و بی شایستگی علمی و اخلاقی، کنار گود بنشیند و به کس یا کسانی که در صدد خدمت بوده کاری - هر چند نه به صورت تام و کامل - انجام داده ارائه می دهند بتازد و آنچه آن «تنابز به القاب» کند که روی اراذل و اوباش چاله میدانی را سفید کند!

وَلَقَدْ نَالُوا اللَّهَ مَا يَحبُّونَ وَبِرْضَى

سید نعمت الله حسینی

۶۹/۱۱/۱

سخنی با یک ناشر آمریکایی

راقم این سطور گرچه اغلب از راست به چپ می خواند؛ اما گهگاه در حد مضامین مزجاتی که در انبان است هوس می کند از چپ به راست هم بخواند. از قضا این بار کتبی را تورق می کرد با نام فهم زبان. (Understanding Language). این کتاب در باب اصول علم کامپیوتر نگارش یافته است. نویسنده این کتاب دانشمندی است ایرانی و یزدی الاصل به نام آقای محمد جواد معین که سالیانی است در آمریکا رحل اقامت افکنده و در سطوح عسالی علمی مشغول تحقیق، تألیف و تدریس است. (البته اسم ایشان در چهار فرنگ مهدل به «جان» شده است: John A. Moyne). در سفری که در آبان ۶۹ در معیت عده ای از اخوان الصفا و خلان الوفاء به کشورگاتادا داشتیم، با ایشان نشستهایی صورت گرفت و از حاصل تلاشها و تحقیقاتش بهره بردیم. ناشر کتاب ایشان شرکت انتشاراتی پلنوم (PLENUM PUBLISHING CORPORATION)

سپس به تاخت و تاز پرداخته است. لذا لازم است نخست ۱۲۴ و عین داستان منقول در صفحه ۱۹۹ کتاب مردان علم در میدان عمل آورده و سپس در افادات و افاضات جناب ناقد اندکی تأمل شود. قضیه چنین است:

در ایامی که مرحوم امینی صاحب کتاب ارزنده الغدیر به ایران تشریف آورده بود در یک مجلسی که چند نفر در خدمت ایشان نشسته بودند یک کسی به ایشان عرض کرد آقا من اگر به حضرت ابوالفضل عقیده نداشته باشم چه ضرری به حال من دارد و حال آنکه آن حضرت نه پیغمبر و نه امام است و نه معصوم است؟ آن عالم جلیل وقتی این سؤال را شنید حرکتی به خود داد و با ناراحتی فرمود: ابوالفضل العباس علیه السلام که سهل است اگر من که نوکر آن حضرت هستم به بند کفش من توهین و بی احترامی کنی خداوند تو را به رو در آتش جهنم می اندازد.

حال بدان فاضل معاصر (جناب ناقد) باید گفت: بسیار کند ذهنی باید که کسی از صدر و ذیل این حکایت نفهمد که مقصود مرحوم علامه امینی این بوده است که اگر بند کفش من «بما ائی عید من عبید ابی الفضل سلام الله علیه» نه «بما ائی انا» اهانت کنی خدا تو را به رو در آتش جهنم می اندازد.

بفرمایید کجای این معنی «عبید» و «زشت» است و با «به فکر دین خدا و نوامیس او [کلنا] بودن» منافات دارد؟

این جناب ناقد که از این قضیه اینچنین برآشفته و آن را «عبید»، «زشت» و «ناسازگار با به فکر دین خدا و نوامیس او بودن» دانسته، اگر بشنود که قتل دشنام دهنده به معصومین علیهم الصلاة والسلام - حتی بدون اذن حاکم - واجب است و روایات صحیحی ای بر این حکم دلالت دارند و بین فقهاء امامیه در این باره اختلافی نیست و حتی وجود هر دو قسم اجماع بر آن ادعاشده است، چقدر برآشفته و خشمگین خواهد شد؟

سخن دراز شد. این بود درنگی در قسمتی از خزعبلاتی که تحت عنوان نقد کتاب مردان علم در میدان عمل در شماره سوم مجله آینه پژوهش منعکس شده بود.

حال بد نیست در اینجا روی سخن به جناب ناقد کرده و از او بپرسیم:

ای فاضل معاصر! آیا اعتماد به آنچه در کتب علمایی چون شیخ حر عاملی، علامه امینی، صاحب روضات الجنات یا محدث

در نیویورک آمریکا است. ناشر در داخل جلد کتاب به معرفی کوتاهی از نویسنده پرداخته است؛ بدین گونه:

جان. ا. معین پروفیسور و استناد علوم کامپیوتر و زیانشناسی در دانشگاه کوینز و دانشکده «سیستی یونیورسیتی» شهر نیویورک و مدیر دوره دکترای زیانشناسی در دانشکده CUNY است. وی دکترای خود را از دانشگاه هاروارد دریافت داشته است. از سال ۱۹۷۳ تا کنون به عنوان مدیر دپارتمان علوم کامپیوتر در کالج CUNY و در بخش علوم ریاضی و طبیعی و نیز به عنوان استاد رشته زیانشناسی در دانشکده مزبور مشغول فعالیت بوده است.

پروفیسور معین در رشته هایی همچون زبان کامپیوتر، ترجمه ماشینی و هوش مصنوعی در بخشهای خصوصی و نیز در آژانسهای دولتی کار کرده است. او همچنین بورسیه های زیادی برای چندین دانشگاه در آمریکا، در اروپا و در خاورمیانه دریافت کرده است.

وی عضو مجمع زیانشناسی آمریکا و مؤسسه ماشینیهای کامپیوتری و آکادمی علوم نیویورک است و در دیگر مجامع فرهنگی و علمی نیز نوشته های زیادی در موضوعات مختلف منتشر کرده است. علاوه بر همه اینها او در رشته خود، منتقد فعال و پخته ای است.

چنان که ملاحظه می شود ناشر آمریکایی در این معرفی نامه اصلاً اشاره ای به موطن و مولد نویسنده نکرده است و حال آنکه هر معرفی نامه ولو مختصر، اولین چیزی که بدان اشاره می شود هویت و ملیت و زادگاه شخصیت مورد نظر است. در دیار ما پاره ای مترجمان و ناشران به هر زحمتی که شده در صدند بیوگرافی مختصری از نویسندگان غریبی و خارجی را در آغاز کتابشان در معرض دید خواننده قرار دهند و این - پروژه آنجا که کتاب، کتابی وزین و پر محتواست - تأثیر وضعی خاص خودش را در ذهن خواننده نسبت به نویسنده و زادگاه او خواهد گذاشت. اگر بخواهم نمونه به دست دهم، فرآوان است. مثلاً نگاه کنید به معرفی نامه اجمالی کارل پوپر در ابتدای «حسدیها و ابطالها». البته مرادم هرگز آن نیست که ما نباید چنین کنیم. سخن من با مدعیان لیبرالیسم فکری است؛ کسانی که نیویورک و منچستر و واشنگتن

را مهتد آزادی می دانند و صبح و شام داد آزادی و حریت سر می دهند و ما شرقیها را متعصب و خشک می دانند و فرنگ نشینان را آزاد اندیش و غیر متعصب. سخن من با ناشر آمریکایی است که چرا در این معرفی نامه پر طمطراق از آقای معین، این اندازه انصاف و مروّت نداشته که از زادگاه نویسنده یعنی «ایران» هم نامی ببرد؟! به ناشران خارجی ای از این دست نصیحت می کنم که بپایید تنها مرد حرف نباشید و صرفاً شعار آزادی و عدم تعصب ندهید؛ بلکه مرد عمل باشید. و هم به ناشران و مترجمان خودی عرض می کنم که: فاعتبروا یا اولی الابصار.

محسن غرویوان

محضر مبارک مدیر محترم مجله ارزشمند آینه پژوهش پس از عرض سلام و آرزوی موفقیت، زیارت مجله آینه پژوهش موجب تجدید عرض ارادت و ابراز آرزوهای قلبی شد. می بینم که هرچه زمان به پیش می رود، انسانها بر روی کره خاکی لیاقتهای بیشتری را برای جلب نعمتهای الهی به دست می آورند و ظرفیتهای خوبی در حال تحقق است که امیدواریم شاهد عصر شکوفایی همه جوانب علوم در حکومت الهی حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - باشیم. زیرا در آن عصر، علم به مراحل تکاملی خود می رسد و همه ابعادش با حضور آن نور الهی کشف می گردد. و مسلم است که این کشف و شهود، مقدماتی را می طلبد و امیدواریم «آینه پژوهش» ها نشان دهنده همه افکار و آراء بشری بوده و دست همه پژوهشگران را بگیرد و تا عالیترین مراحل تحقیق و کشف و ارزیابی رهنمون گرداند.

دقت نشر امام علی - ع -

محمد دشتی

برادران عزیز و پژوهشگر آینه پژوهش

سلام علیکم بما صبرتم

سومین شماره نشریه جدید، بی سابقه و مبتکرانه شما عزیزان را همراه با شوق و ذوق و در عین حال شگفتی و تحسین ملاحظه کردم و بر آن شدم طی چند سطر به سهم خود سپاسگوی شما باشم. به راستی کاری است درخشان و بدیع و در نوع خود بی نظیر که امید است با همکاری همه دست اندرکاران کار پژوهش و

«مسئله تبلیغ» و شاخه های آن داریم که تاکنون دست آورده های نو و جالبی داشته و انشاء الله در مناسبتی دیگر خلاصه گزارش کارهای تحقیقی این واحد جهت مجله ارسال خواهد شد. انشاء الله.

محمد تقی رهبر

تاراج میراث فرهنگی

حفظ و پاسداری میراث فرهنگی از چنان اهمیتی برخوردار است که اساساً هویت هر کشور در گرو آن است. تأثیر بسزایی که ادب و هنر و فرهنگ غنی ما در پیشرفت علوم و فنون سایر ملل داشته، بخش وسیعی از فعالیتهای مؤسسات شرق شناسی را به خود اختصاص داده است. مانند مؤسسه ایران شناسی فرانسه، مؤسسه ایتالیایی خاور نزدیک و دور (I.S.M.E.O)، مؤسسه باستان شناسی ایران و آلمان، مؤسسه بریتانیایی مطالعات ایرانی، مؤسسه امریکایی مطالعات ایرانی، مؤسسات علمی و فرهنگی اتحاد جماهیر شوروی، و غیر آن.

اهمیت علم و دانش و هنر در این سرزمین به حدی بوده که با سربلندی می توان از آن نام برد. ظهور شخصیت های علمی بزرگی مانند فارابی، ابن سینا، بیرونی، شیخ الطائفه، خواجه طوسی و امثال آنان، و تأسیس مراکز علمی و بناهای تاریخی و کتابخانه های عظیم، بهترین گواه آن است.

آنچه در این مختصر منظور نظر است، مطالبی درباره کتاب و کتابخانه و آثار هنری است. پیشتر در مهین عزیز ما کتابخانه هایی وجود داشته است که عظمت و اهمیت آن را مورخین مورد گوشزد قرار داده اند. مانند کتابخانه عظیم ری که بسیاری از کتابهای آن توسط سلطان محمود غزنوی پس از هجوم به این شهر به آتش کشیده شد. و هکذا بسیاری دیگر از کتابخانه ها. ابوالحسن بیهقی در وصف این کتابخانه می گوید: من بیت الکتب ری را بعد از آنکه سلطان محمود بن سبکتگین آن را به آتش کشید، جستجو کردم. آنچه بعد از آتش سوزی به جای مانده بود، فهرستهای آن به ده مجلد می رسید.

اینها مربوط به گذشته است. در این دو قرن اخیر نیز میراث فرهنگی ما از دستبرد تاراجگران و سوداگران داخلی و خارجی در امان نبوده است. هم اکنون بسیاری از نفیستین نسخه های خطی و آثار هنری که سند اصالت فرهنگ مذهبی و ملی مناست،

نگارش و نشر، به ویژه مؤسسات و وزارتخانه های مربوطه دولت جمهوری اسلامی ایران، این نشریه بتواند در رسالت حیاتی بهسازی پژوهش و نگارش به توفیقاتی چشمگیر و درخشان نائل آید.

شما در راهی هموار گام برمی دارید و درجوی مساعد و محیطی موافق به چنین کار بدیمی دست یازیده اید. باید از عزیزان بحق مجاهد و بزرگان بحق مصلحی یاد نمود و خاطره آنها را گرامی داشت که در طی نیم قرن اخیر حوزه علمیه قم در راهی دشوار و ناهموار و علیرغم جو نامساعد و بسته و محیط تاریک و بی فروغ آن روز گام نهادند و تحول فکری میمونی را در نسل جوان حوزه ایجاد کردند. شما ادامه دهندگان و تکمیل کنندگان همان رسالت و تحوکید. هینثا لکم و جزاکم الله عن العلم و الاسلام احسن الجزاء.

علی حجتی کرمانسی

مشول محترم و گردانندگان و تهیه کنندگان آینده پژوهش با سلام و آرزوی موفقیت کامل شما دومین شماره چندی قبل واصل از تأخیر جواب معذرت خواسته و تذکری چند عرضه می دارد:

دومین شماره کامل تر از قبل بود که طبعی است و انشاء الله این روند ادامه یابد.

سرمقاله جالب بود بویژه مسئله کتب حوزوی که بعضاً در حال تنزل است.

«عنوان کتاب و انتخاب» جالب بود. مقداری طولانی بود که شیرینی مطلب را کم می کند.

اعلام و فیات علما جز در موارد خیلی مهم درخور موضوع مجله نیست که در این شماره مواردی داشت.

مناسب است از ارزش کار تحقیقی و مهمتر از آن ارزش پژوهشگران که در این جامعه قدرناشناس ناشناخته مانده اند بحثهایی بشود.

معرفی عناوین جدید پیشنهادی جهت تحقیق محققان شاید بی تناسب نباشد زیرا مسائلی است که با همه حرف ها که در پیرامون آن زده شده باز هم حدود و ثغور آن ناشناخته است. در مسائل اسلامی از این قبیل مسائل داریم.

در دانشگاه امام صادق - ع - واحدی بنام تحقیقات روی

زینت بخش کتابخانه ها و موزه های کشورهای غربی است.

دیدار از موزه بریتانیا و کتابخانه آن، کتابخانه دیوان هند، بادلیان، کمبریج، موزه ویکتوریا و آلبرت در انگلستان، مجموعه چستریتی در ایرلند جنوبی، کتابخانه ملی و موزه لوور در پاریس، کتابخانه برلین در آلمان، و موزه ها و کتابخانه های آمریکا، هر ایرانی مسلمان غیوری را غرق در تأثر می سازد. نمونه هایی که نگارنده خود بسیاری از آنها را دیده، یا منحصر و یا از ارزشمندترین آثار باقیمانده میراث ماست. مثلاً می توان اشاره کرد به بیش از سه هزار نسخه خطی نفیس در موزه بریتانیا که هشتصد مجلد آن توسط کلودیوس جمیس ریچ، نماینده کمپانی هند شرقی از ایران خریداری شده است. همچنین همراهان سرجان ملک در ایران (جمیس موریه و سرجان مکدانالد کنیر) نسخه های نفیسی برای آن موزه تهیه کرده اند؛ از جمله نسخه بسیار نفیس شاهنامه، به تاریخ ۹۹۴ شمسی که حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی وزیر فتحعلی شاه قاجار آن را به ارل گری نخست وزیر وقت بریتانیا اهدا کرده است. و نسخه نفیس تاریخ و صاف و جغرافیای حافظ ابرو به تاریخ ۸۲۰ شمسی، نسخه ظفرنامه شرف الدین علی یزدی که توسط سرچالز مری وزیر مختار انگلیس در ایران تهیه شده است. و همچنین مینیاتورهای نفیس کار استاد کمال الدین بهزاد، استاد قاسم علی، محمد زمان و غیر آن. و نیز آنچه در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن موجود است؛ مانند نسخه خسرو و شیرین نظامی به خط عبدالجبار با هفده مجلس نقاشی رضا عباسی و مجلید و تذهیب محمد محسن تبریزی (صحاف معروف عصر صفوی)، و صدها نمونه دیگر از صنایع مستظرفه مانند فرش اردبیل و غیر آن که پروفیسور پوپ در کتاب هنر و صنایع ایران به تفصیل آنها را درج نموده است.

اینها مشتکی از خروار است که سرنوشت دیگری پیدا کرده است. اما آنچه از میراث فرهنگی ما فعلاً باقی مانده، حائز اهمیت فراوان است و اولیاء امور باید اهتمام بیشتری نموده و دست سوداگران خائن را قطع کنند و در حفظ این ثروت ملی که حراست از آن فقط به اهتمام دولت ممکن است، بکوشند.

نمونه هایی از این سوداگرها که در سال اخیر با هوشیاری مسؤولین کشف گردیده است و رسانه ها خبر آن را پخش نمودند، زنگ خطری است که هم اکنون میراث فرهنگی ما را تهدید

می کند.

راه علاج

در دو دهه اخیر بعضی از کشورهای عربی، قوانین نسبتاً جامعی برای حراست و محافظت از کتابهای خطی، و مجازاتهای بسیار سختی برای متخلفین وضع نموده اند. بنابراین پیشنهاد می شود:

۱- تأسیس مرکزی جهت صدور شناسنامه برای نسخه های خطی، و تعیین هیئتی مرکب از متخصصین نسخه شناس و دانشمندان کتابشناس.

۲- هر شخصی که نسخه خطی (اعم از کتاب و وقفنامه و تابلو و مینیاتور) در اختیار دارد، موظف باشد برای صدور شناسنامه و ثبت آن به نام خود، نسخه را به این مرکز ارائه نماید تا دولت از وجود نسخه هایی که در قلمک اشخاص است، آگاه باشد.

۳- صاحبان نسخه ها موظف باشند به بهترین نحو از آنها مراقبت نمایند.

۴- تعیین مدت معقولی برای ارائه کتابها به مرکز تعیین شده.

۵- دارندگان نسخه ها بتوانند نسخه خود را به اشخاص و مؤسسات داخلی انتقال دهند؛ به شرط آنکه سند آن به طور رسمی به نام خریدار ثبت گردد.

۶- دارندگان نسخه ها در صورتی که از نگهداری آن عاجز باشند و خطری مانند پوسیدگی و سرقت متوجه کتابها باشد، موظف باشند مسؤولین را در جریان امر قرار دهند.

۷- هیچیک از اشخاص حقیقی و حقوقی مجاز به خارج نمودن نسخه خطی از کشور نباشند؛ مگر در مواردی که طبق اجازه رسمی دولت با مراقبتهای ویژه برای غایب در مناسبات مخصوص لازم باشد.

۸- تصویب قانون مجازات بسیار شدید برای متخلفین از حفظ نسخه های خطی.

۹- تأمین اعتبار مناسب از طرف دولت برای خرید مخطوطات و نگهداری آنها در یکی از کتابخانه های ویژه.

۱۰- تبیین ارزش و اهمیت دست نوشته ها و امثال آن توسط رسانه های گروهی، مخصوصاً تلویزیون. و نیز آگاهی دادن به مردم برای حفظ و نگهداری نسخه های خطی تا بر اثر جهل و بی اطلاعی سر از قصایبها و عطارها در نیارود.

کتابخانه های عظیم و ارزشمندی در کشور ما وجود دارد که بخش وسیعی از میراث فرهنگی گرانبهای ما را در خود جای داده است. خوشبختانه نسخه های خطی این کتابخانه ها تقریباً شناخته شده و تاکنون حدود ۱۲۰ جلد فهرست مخطوطات آنها با زحمت و کوشش طاقت فرسای دانشمندان منتشر شده است. اما این کتابخانه ها با مشکلات فراوانی دست به گریبان هستند:

۱- بزرگترین مشکل کتابخانه های ایران ساختمان آنهاست که از استانداردهای لازم برخوردار نیست و خطرات غیر مترقبه ای از قبیل زلزله و آتش سوزی و بیماریان آنها را تهدید می کند.

فراموش نمی کنم روزی در ایام موشک باران به محضر مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره - رسیدم. ایشان را بسیار مضطرب دیدم؛ سبب را جویا شدم، فرمودند: عمری برای حفظ میراث فرهنگی و آثار مشایخ عظام و دانشمندان سمرات کشیدم و هر چه بود، همه را برای استفاده طلاب علوم اهل بیت - علیهم السلام - و محققین وقف نمودم؛ حالا نمی دانم در این بیماریان و موشک باران چه بلایی بر سر این گنجینه ارزشمند خواهد آمد.

۲- کتابخانه باید با مدرترین سیستمهای آتش نشانی مجهز باشند تا - خدای ناخواسته - بار دیگر شاهد فاجعه دیگری نظیر آتش سوزی کتابخانه اصفهان نباشیم.

۳- کتابخانه ها باید به ماشینهای آلت زدایی مدرن مجهز باشند تا خطری که نسخه های خطی را از درون تهدید می کند، مهار شود.

۴- کتابخانه ها باید هر کدام به تناسب موقعیت خود به وسائل عکاسی و تهیه میکروفیلم مجهز باشد و این، خود در استفاده و تبادل فرهنگی نقش مهمی دارد.

۵- کتابخانه ها باید توسط مدیران دانشمند و لایق و دلسوز و علاقمند و دانش دوست اداره شود تا هم در حفظ ثروت ملی کوشا باشند و هم برخورد مناسبی با مراجعه کنندگان داشته باشند.

۶- کتابخانه های کوچکی در بسیاری از شهرستانها وجود دارد که اکثراً موقوفه و جزء مدارس علمیه هستند که دارای مخطوطات ارزشمندی هستند؛ مانند کتابخانه مدرسه قازی خوی، و کتابخانه مدرسه مسجد جامع ارومیه و غیر آن که تاکنون نسخه های این کتابخانه ها فهرست نشده است. مقتضی است جهت

فهرست شدن این نسخه ها اهتمام لازم مهذول شود.

و خلاصه اینکه کتاب و کتابخانه، فرهنگ ملی و مذهبی ماست، تاریخ ماست، ثروت ملی ماست و افتخار ماست. و بر همه لازم است در حفظ حراست و دوام و بقای آن بکوشند و اجازه داده نشود سوداگران بیش از این، میراث فرهنگی ما را تاراج کنند.

آنچه گفته شد يك شرط هم دارد، و آن اینکه کتابخانه ها تسهیلات لازم را برای استفاده دانشمندان و محققان و طالبان علم و مبادله فرهنگی فراهم نمایند. هم اکنون اکثر امکانات بعضی از کتابخانه های تخصصی صرف ارباب رجوع عادی می شود. بسیاری از محققین و دانش پژوهان در مراجعه به بعضی کتابخانه ها با مشکلات فراوانی مواجه می شوند و سرانجام از طریق روابط باید به مقصود برسند. بنابراین باید تدابیر لازم برای رفع این مشکلات بشود.

دو سال قبل به اتفاق چند نفر از فضلاء ایران به مجمع علمی دمشق رفتیم. بحث راجع به کتاب و کتابخانه و خارج شدن مخطوطات از کشورهای اسلامی در گرفت. دکتر عدنان الخطیب که خود از محققین دانشمندان عرب است، گفت: من چندی قبل مقاله ای در همین زمینه در یکی از مجلات نوشتم؛ بعد از مدتی یکی از محققین ضمن مقاله ای در جواب من نوشته بود: ای کاش همه نسخه های خطی در کتابخانه های غرب بود؛ چون من هر نسخه ای که از مخطوطات آنها درخواست می کنم، در کمترین مدت فیلم آن را در این گوشه دنیا برآیم می فرستند. اما خدا نکند به يك نسخه در دمشق یا قاهره یا بغداد یا استانبول محتاج بشوم؛ جان من به لب می رسد و تازه بعد از چند ماه انتظار باید با صرف وقت و هزینه بسیار از این کشور به آن کشور بروم؛ آن هم آیا بشود یا نشود!

البته منظور نگارنده این نیست که هر نسخه خطی را در اختیار اشخاص بی صلاحیت قرار دهند؛ اما طوری هم نباشد که همان افراد بی صلاحیت به نسخه ها دست یابند و دانشمندان فرزانه که عمر شریف خود را در راه احیاء و تحقیق آثار گشتگان صرف می نمایند، با مشکلات مواجه شوند.

محمدعلی حائری خرم آبادی

مرآة التحقيق

الإفتاحية

في افتتاحية هذا العدد، أشار المحرر إلى لزوم القيام بالبحوث القيمة، والتحقيقات الأثيق للنصوص، والتصدي لموضوعات جديدة وهادفة.

وأشار - أيضاً - إلى وجوب تهيئة الأجواء الملائمة للقيام بالبحث والتحقيق، وإلى العلاقة بين كل ذلك وبين الثورة.

شؤون الإعلام الثقافي

في محافظة همدان

يبدأ الحديث عن الأصول العامة للإعلام، بصورة موجزة، وعن لزوم الاستفادة من تجارب المحققين.

ثم يستعرض بالوصف والتحليل شؤون الإعلام الثقافي في محافظة همدان، فيشرح أوضاع المكتبات العامة، والجامعات ودور النشر والطبع هناك، ويشير إلى ما ينقصها من جوانب، ويقدم مقترحات لتحسين الجهود الثقافية في تلك المحافظة.

العثمانية للجاحظ

والنقوض عليها

يتكفل هذا المقال البحث عن كتاب «العثمانية» للجاحظ (ت ١٥٠هـ) والنقوض عليه.

وفي المقال إشارة إلى ترجمة موجزة للجاحظ، وعرض موجز كذلك لمؤلفاته وأفكاره، ثم تقييم كتاب «العثمانية» وتصدي الكاتب لتقصه المطبوع أخيراً باسم «بناء المقالة الفاطمية» للسيد ابن طائوس، تحقيقه الجديد. وفي المقال إشارة إلى سائر نقوض الكتاب.

حول النسخ التصويري

في هذا المقال يتم نقد كتاب فهرست النسخ التصويري لمكتبة آية الله العظمى النجفي المرعشي (رحمه الله) ويقدم معلومات حول ذلك. وفي نفس الوقت يشير كاتب المقال إلى بعض الأخطاء في الكتاب و يبحث حول تطور تأليف فهراس النسخ الخطية.

رسالة حول السلطنة المشروطة وفوائدها

كاتب المقال، مع توجيه النظر إلى تحقيق حول الرسائل التي كتبت في موضوع السلطنة المشروطة، يعطي معلومات حول رسالة خاصة لم تنتشر حتى الآن. «معناى سلطنت مشروطة و فوائد آن» (السلطنة المشروطة: معناها و فوائدها) كتاب مخطوط للمؤلف سيد عبدالعظيم عمادالعلماء الخليلي. الكتاب موضوع هذا المقال والكاتب يبادر بتقديم معلومات حول ذلك.

نقد لتحقيق حاشية الآخوند على الرسائل

كاتب هذا المقال يعطي معلومات حول تأليفات الآخوند الخراساني ويشير إلى كثرة الأغلط في الطبعة الجديدة لحاشية الآخوند على رسائل الشيخ الأنصاري.

الجاهز للنشر

خصّص هذا الفصل بكامله لاستعراض آثار سماحة آية الله الشيخ حسن زاده الأملي، المعلة للطبع والنشر، وجعلت في أقسام ثلاثة:

١- النصوص المحققة، ومنها:

الأسفار للملا صدرا، المنظومة للسبزواري - قسم الحكمة، الشفاء لابن سينا - قسم الإلهيات، فصوص الحكم لابن العربي، شرح الفصوص للخوارزمي، تهديد القواعد لابن تركة.

١٢ المؤلفات، ومنها:

عيون مسائل النفس، شرح العيون في شرح العيون، النور المتجلي في الوجود الظلي، القرآن والعرفان والبرهان ثلاثة لانفصال بينها، خير الأثر في ردّ الجبر والقدر، الكلمة العليا في توقيفية الأسماء، وديوان شعره.

٣ المحاضرات، والمدتها:

محاضرات دروس الأسفار، ومحاضرات دروس شرح التصوف للقيصري، ومحاضرات دروس شرح الإشارات.

الضروريات في التحقيق

أكد كاتب المقال على لزوم البحث والتحقيق في العلاقات الخارجية المتبادلة بين امبراطوريات إسلامية ثلاث، وقد حددها الكاتب في البداية، وخلال تركيزه على لزوم الإفادة من التجارب التاريخية جاء التذكير بالحاجة إلى قيام مَنْ يتمكن من التحقيق في العلاقات بين هذه الامبراطوريات: وهي الخلافة العثمانية، والدولة المغولية في الهند، والدولة الصفوية، وكذلك علاقاتها مع العالم الغربي في تلك العصور.

تجارب

خصّصت المجلة صفحات من كل عدد للحديث مع الأساتذة، بهدف الوقوف على تجارب المحققين، وإعلام الآخرين بها. والمقابلة في هذا العدد كانت مع الاستاذ السيد جعفر مرتضى العاملي، الذي تحدّث عن أسلوب التحقيق في التاريخ، وبحث عن وضع الحديث الموضوع في تاريخ الإسلام، وضرورة كتابة التاريخ ومشكلاته، وموضوعات عديدة حول التحقيقات التاريخية.

مؤسسة الوثائق الثقافية للشعرة الإسلامية

في هذا الفصل ورد التقرير عن مركز مؤسسة الوثائق الثقافية

للشعرة الإسلامية في إيران. وقد تم التعريف بأقسام هذه المؤسسة، ومنها قسم النشر، والمكتبة والأرشيف.

الجديد في عالم التأليف والطبع

يتألف هذا الفصل من ثلاثة أقسام: ١- الهيئات الموجزة؛ ٢- التقارير الموضحة؛ ٣- المختار من مقالات الدوريات.

في قسم «الهيئات الموجزة» جاء تقرير مختصر عن عدة كتب حديثة الصدور، وهي:

معجم أحاديث الإمام المهدي عليه السلام، معلمة العالم الإسلامي، فهارس شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، دائرة المعارف الإسلامية الكبرى و....

وفي قسم «التقارير الموضحة» جاء بيان بببليوغرافي لعشرات الكتب الصادرة حديثاً، مرتبة حسب الموضوعات العلمية.

وفي قسم «المختار من مقالات الدوريات» جاء بيان عن المقالات العلمية والثقافية في أحدث الدوريات صدوراً وانتشاراً.

تقرير عن الرحلات العلمية

في هذا الفصل ورد تقريران عن رحلتين علميتين، من خلال مقالين:

الأول: تقرير لسفرة حجة الإسلام السيد محمود المرعشي إلى الإتحاد السوفيتي، ويحتوي على بيان معلومات حول مكتبة موسكو العامة، وجامعتها، وذكر للمكتب القيمة والمخطوطات الثمينة التي يحتفظ بها هناك.

الثاني: تقرير لسفرة حجة الإسلام محمد مجتهد شبستري إلى (أثينا) لغرض الاشتراك في الاجتماع الدولي للإسلام المسيحية الأرثوذكس، جاء في المقال عرض لأوضاع الاجتماع ونقاط هامة حول الفلسفة الإلهية عند المسيحية، وطلب من علماء المسلمين أن يتعمروا على الشيلوجيا الحديثة للفكر المسيحي.

dra, "Divine remedy" by Ebne Cina, "Fosus-ol Hekam" by Ibn Arabi. In compilations, the following books are ready for publication: Oyoun masa'el- en nafs, sarh- ol oyoun fi sharh- el oyoun, etc., seminars (given by his excellency) about to be published are as follows: Asfar lessons, lessons explaining Fosus Gheisari and lessons explaining Esharat..

Mutual relationships among three Islamic Empires

This article discusses the necessity of research on the mutual relationships among three Islamic empires. The author first refers to the identity of the three empires. Then, while emphasizing the necessity of using historical experiences, the author reminds the reader of the fact that it is necessary that a person or a number of people conduct a research about the relationships among the three empires: Ottoman Caliphate, the Empire of Muslem Moguls in India, and Safavite dinesty. The author at the end of the article refers to the relationships of these three empires with each other and with western world, and to the results of the survey of their foreign relationships.

Experiences

Research mirror magazine has always allocated a number of its pages to the interviews with scientists. The purpose of these interviews is the exploitation of the experiences of the scholars and their transference to others. The interview of this issue is with Ayatollah Ja'far Morteza Amoli: Ayatollah Amoli in this interview has referred to methods of research in history, counterfeit of tradition in the history of Islam, conditions of historiography and its difficulties, and to other issues about historical researches.

Scientific and cultural centres

In the section on scientific and cultural centres, the organization of cultural documents of the Islamic Republic of Iran is introduced. The different sections of the organization of cultural documents, the publication department, library and its archives are introduced.

News of writing and publication

The chapter of news of writing and publication

in this issue of the magazine consists of three parts: general introductions, reporting presentations and selection of articles of publications. In the section of general introductions, a number of newly published books are briefly introduced. "Ma'jamo ahadith-el emam-el Mahdi" "University degree of Islamic world", " Fahreneso sarhe Nahj-el Balaghe" by Ibn abel Hadid, Great Islamic encyclopedia, and.... are the books which are briefly introduced. In the section of reporting presentations, the specifications of tens of newly published books in the order of subjects are mentioned. Finally, in the section of selection of the articles of magazines, the specifications of cultural-scientific articles in the most recent magazines are given

Report of research-scientific expeditions

In the section of scientific-research expeditions, the reports of two expeditions are given. First is the report of hojjat-ol Islam Mahmoud Marashi's trip to soviet Union. This article refers to the quality of library and Moskow university, and to the books and valuable manuscripts which are kept in that library. second article is the report of hojjat-ol Islam-Mohammad Mojtahed Shabestari's trip to Athen. M.r Shabestari took this trip in order to attend the first international symposium of Islam and Orthodox christianity. The writer of the article, while describing the quality of symposium, mentions a number of important points about the theology of christianity, and invites muslem scientists to add to their knowledge of modern theology of christianity by meditation and study of christianity.





IN THE NAME OF ALLAH

Editorial

Revolution and Research

The editorial of this issue discusses the necessity of the conduction of useful researches, correction of texts, and proceeding new and guiding subjects. In the editorial, the author also refers to the necessity of creating suitable conditions for research, and surveys the relationships between revolution and research.

The condition of the provision of cultural information in Hamadan province

This article begins with mentioning generalities about the technique of information supply and the necessity of using the experiences of researchers. Then the article analyses the condition of the supply of cultural information in Hamadan province. Next the article describes the libraries of Hamadan province, the conditions of its universities, the conduction of publications and their shortcomings. At the end, the article makes some suggestions for improving cultural activities in that province.

Othmanie.ye Jahez and its criticism

This article reviews the book Othmanie.ye Jahez and the criticisms written about it. The article first refers to the thoughts and works of Jahez. Then it reviews Jahez's "Othmanie" and the recent correction of this criticized book. The article also mentions the criticisms written

about this book, such as the criticism of Abu Ja'far Eshkafi, of Ibn Tavous, etc.

Acquaintance with pictorial books

The objective of this article is to introduce and criticize a list-book of pictorial books in the public library of [the late] AYATOLLAH-EL UZMA NAJAFI-E MAR'ASHI. The writer of the article, while mentioning some of the defects of this list-book, discusses the process of listing manuscripts.

A Treatise on Constitutional monarchy and its advantages

while paying especial attention to researches conducted on treatises written on constitutional monarchy, this article introduces an unpublished treatise. The meaning of constitutional monarchy and its advantages are discussed in the treatise written by seyed ABDUL AZIM AMAD-UL OLAMA-E KHALKHALI. This treatise is the manuscript which is reviewed in this article.

Researches to be published very soon

This article deals exclusively with the works of Ayatollah Hassan Hassanzade.ye Amoli, which are on the threshold of publication. These works are categorized into three groups: corrections, compilations and seminars. In corrections, the following books corrected by Ayatollah Hassanzade.ye Amoli are ready for publications: "Asfar" (journeys) by Molla Sa-

AYENEH-E-PAZHOOHESH

PATRON: MOHAMMAD ABABE KHORASANI

MANAGING DIRECTOR: MUSTAPHA DERAYATI

CHIEF EDITOR: MOHAMMAD ALI MAHDAVI RAAD

EDITOR: ABD-UL MOHAMMAD NABAWI

Vol. 1 No. 5

FEBRUARY-MARCH 1991

Ayeneh-e-Pazhoohesh (Mirror of Research) is a bi-monthly magazine, published for improving research and publishing works through information dissemination.

AYENEH PAZHOOHESH CONTAINS:

-Articles which can put forth modes of scientific researches or have some relation to the aims of magazine, as stated below.

- * Introduction to texts that need to be corrected or translated or are suitable for research.
- * Introduction and criticism of research and specialized books.
- * Reports about translations, editing, and text corrections on hand.
- * A brief introduction of new books and research articles of variety of magazines.
- * Relating the experiences and guidelines of researchers and editors.
- * Introducing scientific and cultural centers along with their goals.
- * Subjective bibliography.
- * Research and cultural news.

NOTES:

* The subjects in Ayeneh Pazhoohesh will be only about Islamic culture.

* The responsibility for opinions expressed is on writers.

* Ayeneh-e-Pazhoohesh is free in its editing.

* The articles received are not returned.

* All those articles, which have scientific and research values will be published.

* The length of articles should not exceed thirty pages.

Also the length of reviews should not exceed twenty hand-written pages.

Price for one years subscription (6 issues)

Arabic and European countries \$ 20

Asia and Africa \$ 25

U.S. A. and Australia \$ 30

Post expenses are calculated.

Please send the subscription by post money order.

ADDRESS: P.O. BOX 37185/1693 QOM/IRAN

TELEPHONE: 360732048

مرآة التحقيق

مجلة خاصة باعلام المعلومات في الدراسات الاسلاميّة

AYENEH-E-PAZHOOHESH

(Mirror of Research)

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

Vol. 1 No. 5 (FEB MAR 1991)